



۱۴ سینما میزبان جشنواره فیلم فجر شد

فرهیختگان مدیر امور سینماهای جشنواره فیلم فجر از اختصاص ۱۴ سینما برای میزبانی مخاطبان و علاقه‌مندان برای نمایش مردمی جشنواره فیلم فجر خبر داد. سینماهایی که دارای ویژگی‌های لازم و استانداردهای مورد نظر برای حضور در سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر هستند با توجه به موقعیت جغرافیایی عبارتند از: سینماهای گروه الف: آزادی، فرهنگ، ملت، کوروش، زندگی، جوان، ماندانا، سینماهای گروه ب: استقلال، شکوفه، فلسطین، سروش، سینماهای گروه ج: تماشا، راگا، کیان، بنابر گفته مدیر امور سینماهای جشنواره فیلم فجر سینمای چهار سو واقع در خیابان جمهوری که مراحل پایانی آماده‌سازی‌اش را می‌گذراند با ۴۰۰ نفر ظرفیت در صورت آغاز بهره‌برداری اضافه خواهد شد.

واکنش پرویز پرستویی به یک ادعا

خدا آن روز را نیابد که بخوایم جایگزین شریفی نیا شوم

فرهیختگان پرویز پرستویی در اظهار نظر تند و رک است و واکنش هایش درباره حواشی حرفه‌اش همواره صریح و گزنده بوده است. حالانویت به شریفی نیا رسیده است تا با اظهار نظری که کرده، با واکنش پرستویی روبه‌رو شود. محمدرضا شریفی نیا در مصاحبه‌ای مدعی شده است که پرستویی جایگزین نقش او در فیلم «مارمولک» کمال تبریزی شده است. بازیگر نقش مارمولک به این مساله واکنش نشان داده و گفته است: «خدا آن روز را نیابد که بخوایم جایگزین شریفی نیا شوم.» پرستویی به ایستگاه گفته است: «اخیرا مصاحبه‌ای از محمدرضا شریفی نیا خواندم که مدعی شده بود خیلی از بازیگران را او به سینما معرفی کرده و نقش رضا مارمولک هم ابتدا به او پیشنهاد شده است. صحبت‌هایی که لازم دیدم پاسخ دهم. متأسفانه در بین اسامی‌ای که نام برده شد از خسرو شکیبایی اسم برده

شده که تعصب زیادی روی او دارم و متأسفانه دستش از دنیا کوتاه است و این مرا بسیار آذینت کرد. او مدعی شده خسرو شکیبایی را برای «سالاد فصل» انتخاب کرده و جایزه گرفته است. زمانی که شکیبایی در تئاتر و سینما بازیگر حرفه‌ای بود شریفی نیا هنوز بازیگر نشده بود و قبل از «سالاد فصل» هم شکیبایی در «هامون» جایزه گرفته بود. یا ویشکا آسایش که در سریال «امام علی (ع)» توسط دای‌اش مازیار پرتو معرفی شد و او مدعی معرفی این بازیگر شده است و همچنین لیلا حاتمی. در واقع شریفی نیا مدعی است همه جماعت سینما را او معرفی کرده و همه نقش‌ها هم برای او نوشته می‌شود و هنگامی که وقت ندارد، به سراغ بازیگر دیگری می‌روند. واقعا باید به او دست مریزاد گفت که آنقدر پرکار است و سرشان شلوع است.» پرستویی البته توضیح می‌دهد که حتی

دعوت به تماشای «چند متر مکعب عشق»

عاشقانه‌ای تراژیک



حسن محمودی

برخی آثار هنری با اسم‌شان شروع می‌شوند و با اسم‌شان هم تمام می‌شوند و بعدها هم با اسم‌شان عقد می‌یابند و تفسیرپذیر می‌شوند. فیلم سینمایی «چند متر مکعب عشق» یکی از همین نمونه‌هاست. رمزگشایی تدریجی از تمام ابعاد هنری و مولفه‌های محتوایی فیلم از همین نام آغاز می‌شود. همه چیز به‌طور دقیق با هم هماهنگ شده‌اند تا چیزی به نام «چند متر عشق» را در ذهن مخاطب ماندگار کنند.

نام فیلم خاص است و مفهومی عاشقانه را از ابتدا تداعی می‌کند، اما پیش از تماشای فیلم نیز به مخاطبش یادآوری می‌کند که قرار است روایتی متفاوت از عشق را به تماشا بنشیند.

لایه برای همین هم هست که مخاطب فیلم نیز از جنس خاص خودش است و صنعی با مخاطب انبوه آثار صرفا سرگرم‌کننده مانند «شهر موش‌ها» و «آتش بس ۲» یا «مستانه» و «آنچه مردان درباره زنان نمی‌دانند» ندارد. از فیلم‌هایی نام بردم که نخستین فیلم جمشید محمودی قرار است در گیشه با آنها رقابت کند و از آنجا که نماینده سینمای افغانستان در بخش غیرانگلیسی زبان اسکار امسال، داعیه صرف هنر سرگرمی را ندارد، نمی‌توان برای آن فروش بالایی را تصور کرد. فیلم نیز تلاشی برای پرورش شدن و سرگرمی صرف نمی‌کند. شاید از همین بابت است که در آن خبری از سوپرستاره‌های سینمای ایران نیست و نابازیگران و چهره‌های آشنای سینمایی در آن کمتر دیده می‌شود. ساعد سهیلی نام‌آشنا ترین چهره فیلم است که بازیگری جوان و البته خوش‌آهنگ است. فیلم قرار نیست از همان چند متر مکعب عشق فراتر برود و برای همین است که دوربین ابراهیم غفوری نیز از آهن‌پاره‌های آن گوشه‌حلی‌آباد فراتر نمی‌رود و حتی خرده‌روایت‌ها و قصه‌های فرعی آدم‌ها نیز از محدوده چند متر مکعب عشق بیشتر بسط و گسترش پیدا نمی‌کند. فیلم می‌توانست قصه‌اش را حول و حوش ماجراهای آدم‌های دیگر بسط و گسترش بدهد و از منظر اجتماعی و سیاسی نیز وارد قلمروهای شعاری و مخاطب‌پسند این روزهای سینمای ایران بشود. اما این اتفاق هوشمندانه نمی‌افتد و فیلمنامه‌نویس و کارگردان به‌شدت از این مساله پرهیز کرده است و همه چیز را حول و حوش همان اتفاق‌هایی تعریف می‌کند که قرار است در یک کانتینر قراضه شکل بگیرد.

دختر افغان از زاغای که با پدرش در آن زندگی می‌کند، به‌طور مخفیانه و البته سرخوشانه بیرون می‌زند تا با جوانی ایرانی که عاشق همدیگرند، به دور از چشم پدر که یک نظامی بوده است، دیداری عاشقانه داشته باشد. همه چیز فیلم از همین کانتینر شروع می‌شود و به همین چندمترمکعب ختم می‌شود. برای همین است که با فیلمی روبه‌رو هستیم که هیچ حشو و اضافه‌ای ندارد و نویسنده و کارگردانش به‌شدت مراقب بوده است تا درگیر پراکنده‌گویی‌های دیگر نشود. فیلمنامه‌نویس برای اینکه قصه اصلی‌اش دچار تفسیرها و حاشیه‌های سیاسی و شعارزدگی نشود، در خود فیلم تکلیف خیلی چیزها را که امکان داشته بعدها به تفسیرهای دیگری دامن بزند حل کرده است. برای همین است که تأکید می‌کند کارفرمای ایرانی کارگران افغان آدم ظالمی نیست و نگاه بدی نسبت به افغان‌ها ندارد. در این میان اگر مأمورها نیز وارد قصه می‌شوند، مدخله‌شان کاملا قانونی است و رفتارشان محترمانه و انسانی است و تأکیدشان بر اجرای قانون است. کارگران افغان و خانواده‌هایشان از اقامت قانونی در ایران برخوردار نیستند و همین مساله پای مأموران را به کارگاه باز می‌کند.

خبرچینی یکی از کارگران ایرانی همان کارگاه نیز بنابر مساله‌ای شخصی است که دای او را کارفرما با زن و بچه‌اش راه نداده است. کارفرما نیز دلایل خود را دارد و نمی‌خواهد برای زن و بچه کارگران افغان مشکلی پیش بیاید یا برعکس برای زن و بچه آن تراشکار ایرانی که ورشکست شده و همه چیزش را از دست داده است و حالا حاضر به کارکردن در آن شرایط است، به شرط آنکه سرپناهی ولو یک زاغه باشد و البته تمام این خرده‌روایت‌ها و قصه‌های فرعی نیز در راستای همان تأکید شوهرخاله صابر است که عشق بعدها با مضللات و حواشی دیگری روبه‌رو می‌شود.

عناصر بصری، ترکیب‌بندی‌ها، موسیقی متن و افکت‌های صورتی همه در خدمت روایت داستان اصلی هستند که حول ناصر، مرونا و عبدالسلام اتفاق می‌افتند. منتخب هشتمین جشن انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران به‌طور دقیق همان چند متر مکعب عشق است و یکی از فیلم‌های خوش ساخت و بی‌ادعایی است که در جشنواره سی‌ودوم فجر نیز سیم‌غ بهترین فیلم اولی را دریافت کرد.



ادب‌وهنر

گزارش اول

پیشنهاد داد؛ زمانی که حتی نه نویسنده و نه کارگردان انتخاب شده بود. خوشبختانه در طول ۴۶ سال بازیگری که هیچ ادعایی هم در کارم ندارم، جایگزین کسی نبوده‌ام، پرستویی پا را از این هم فراتر می‌گذارد و واکنش به محمدرضا شریفی نیا را فراتر از این اظهار نظر می‌کند و با بیان اینکه اگر این گفته‌ها از سوی شخص دیگری مطرح می‌شد، جواب نمی‌داده است، می‌گوید: «همیشه گفته‌ام جایی که شریفی نیا باشد حضور پیدا نمی‌کنم. حتی اگر بفهمم نقشی قبل از من به او پیشنهاد شده باشد، قطعا قبول نمی‌کنم؛ همدلی که سال‌ها دنبال کرده‌ام. برنامه «هفت» بارها مرا برای حضور در استودیو دعوت کرده است ولی یکی از دلایل اصلی که نپذیرفتم، نشستن او روی آن صندلی است. متأسفانه آنقدر اعتماد به نفس دارد که هرچه به ذهنش می‌آید، می‌گوید.»



اگر نقش رضا مارمولک به شریفی نیا پیشنهاد شده باشد، هم چیزی عجیب نباید باشد: «این موضوع مهمی نیست و ممکن است یک نقش به چند نفر پیشنهاد شود اما چیزی که آزارم می‌دهد خلاف واقع‌گویی است. کاملا مطمئنم منوچهر محمدی تهیه‌کننده «مارمولک» که فیلمنامه از طرح او شکل گرفت پیشنهاد این نقش را به کسی نداده و از همان ابتدا که فکر این فیلم را مطرح کرد، نقش رضا مارمولک را به من

با عبدالحسین فرزند مترجم ادبیات عرب درباره غاده السمان شاعر عرب و وضعیت ترجمه ادبیات عرب

عاشق آزادی



دارد و علت آن این است که بعضی از دوستان مترجم، زبان فارسی‌شان چندان قوی نیست. محمد قاضی نکیه‌اش همیشه بر آن بود که مترجم باید زبان مادری‌اش قوی‌تر از زبان خارجی باشد تا بتواند آن معادل‌یابی‌ها را پیدا کند اما با همه این مسائل من حس خوبی نسبت به ترجمه آثار ادبیات عرب در ایران دارم و مترجمان ما که مثلا در دهه ۶۰ جوان و کم‌تجربه بودند در حال حاضر جا افتاده‌اند و کارشان قابل قبول است. مترجمان صاحب‌سبکی مثل احمد پوری هم که شعرهای شاعران عرب را از حوزه انگلیسی ترجمه می‌کنند، قابل‌تأمل هستند چراکه در نوع ترجمه وسواس خاصی را دارند. مثلا در مواردی احمد پوری به سراغ من آمد که ببیند ترجمه‌های او بسا متن عربی تطبیق دارد یا نه که در آن موارد دیدیم ترجمه انگلیسی آن بار معنایی را که در فرهنگ اسلامی وجود دارد، به خاطر درک نکردن این فرهنگ از سوی مترجم انگلیسی با خودش ندارد و ما آن را اصلاح کردیم اما به‌طور کلی شعر عرب می‌پسندم و او بسیار مترجم توانا و خوبی است. او هرگز شاعرانگی را از شعر نمی‌گیرد و هرگز شعر را به نثر تبدیل نمی‌کند. مابقی مترجمان هم خوب هستند و همچنین در ادبیات عرب به راه افتاده است که البته جریان رمان عرب در حال سبقت گرفتن از رمان‌های اروپایی در ایران است و مخاطبان ما دارند کم‌کم آن طعم رمان عرب را حس می‌کنند. در حال حاضر رمان‌های خوبی از ادبیات عرب در حال ترجمه است و رمان اکنون عرب در واقع رمان پسااستعماری است یعنی آن مساله پسااستعماری که مدت‌ها در حال حاضر در یک وضعیت خوب بوده‌اند از کنار گذاشته‌اند چه در فرهنگ، چه در ادبیات و چه در مسائل سیاسی.

و گویا مجوز آن هم از سوی وزارت ارشاد صادر شده و در حال حاضر این دفتر شعر با نام «عاشق آزادی» برای بررسی نهایی از سوی انتشارات چشمه در اختیار من قرار گرفته است و من در حال بررسی نهایی آن هستم.

فضای شعر غاده السمان فضایی مللو از استعارات القایی بود که در آن زن بودن شاعر بسیار نموده داشت و تلفیقی از جریانات محوری زیست‌محیطی و

ترکیبی که سنت جامعه بر آن روا می‌شد، شکل می‌گرفت. آیا در این دفتر شعر هم شرایط و فضای سروده‌های غاده‌السمان به همین این دفتر شعر غاده‌السمان تفاوت‌های محوری بسیاری در نوع اشعارش داشته و با تمام آثارش بسیار متفاوت است. او پس از فوت همسرش این دفتر شعر را سروده است و فضای این دفتر تقریبا تحت‌تأثیر مرگ همسر اوست. همسر غاده السمان مبتلا به بیماری سرطانی بود و یکی، دو سال او و همسر مرحومش درگیر این جریان بودند که متأسفانه در آخر همسر ایشان فوت می‌کند. غاده السمان پس از مرگ همسرش شعرهایی می‌نویسد که بسیار غم‌انگیز است. او نه‌تنها به خاطر مساله مرگ همسرش بلکه به خاطر آنکه جنگ‌های لبنان او را وادار کرد تا به فرانسه مهاجرت کند، دچار مسائل روحی بسیاری شده و شرایط خاصی را متحمل شده است. او پس از مرگ همسرش دچار دو نوع زندان شده که یکی از آنها بی‌وطنی است. شاید گفتن این نکته لازم باشد که همسر او برایش حکم وطنش را در غربت داشت.



وضعیت ترجمه خصوصا در حوزه ادبیات عرب دچار چنددستگی شده است. کارهای خاصی که شما ترجمه کرده‌اید و شاعران خاص ادبیات عرب نظیر غاده السمان را برای اولین بار به ادبیات ایران معرفی کردید دیگر به‌طور گسترده از سوی مترجمان مختلف دیده نمی‌شود. باین اوصاف شما وضعیت ترجمه ادبیات عرب را در حال حاضر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من فکر می‌کنم روی آوردن مترجمان فارسی به رمان‌های عرب و شعر عرب زیاد شده است و این می‌تواند اتفاق خوبی باشد. من می‌بینم که رضا عامری، یدالله ملایری و همین‌طور موسا بیلاج در حال ترجمه کتاب‌های خوبی هستند و همچنین دوست دارم محمدرضا مرعشی‌پور را از قلم نیندازم که بیشتر آثار نجیب محفوظ را او ترجمه کرده است. ترجمه شعر و رمان عرب در حال حاضر در یک وضعیت خوب قرار دارد و من بسیار راضی هستم اما به هرحال اشتباهات هم در ترجمه وجود

گمانه‌زنی هادرباره حسین مسافراستانه

خروج از موسسه رسانه‌های تصویری و بازگشت به مرکز هنرهای نمایشی

فرهیختگان تازه‌ترین اخبار مربوط به تغییر و تحولات اخیر در سازمان سینمایی و زیرمجموعه‌اش که در روزهای گذشته رسانه‌ای شده است، استعفای حسین مسافراستانه از مدیریت موسسه رسانه‌های تصویری است. بنابر تصمیمات حجت‌الله ایوبی رئیس سازمان سینمایی تغییرات گسترده‌ای در بنیاد سینمایی فارابی رخ داده است که اولین واکنش آن رفتن جعفری جلوه از این مرکز به سازمان صدا و سیما بود. بنابر تغییرات اخیر که به‌منظور ساماندهی نیروی انسانی صورت می‌گیرد، سینما فرهنگ و پروژه دیجیتال کردن سینماها به موسسه سینما شهر سپرده می‌شود و همزمان تجهیزات سخت‌افزاری دیگر از جمله تجهیزات سنگین



فیلمبرداری فارابی نیز به این بخش منتقل خواهد شد. اما آنچه موجب استعفای حسین مسافراستانه خوری شده است، انتقال بخش بین‌الملل فارابی به موسسه رسانه‌های تصویری است که از این پس مسئولیت کل حوزه بین‌الملل سینما در آن مرکز خواهد شد. با این تغییر و تحولات آرش امینی، مدیر بخش فارابی در این موسسه مستقر خواهد شد و از سوی دیگر قرار است ساختمان موسسه رسانه‌های تصویری تبدیل به کاخ دائمی جشنواره فیلم فجر شود. با توجه به این اتفاقات مدیریت حسین مسافراستانه تحت‌الشعاع قرار خواهد گرفت که او ترجیح داده است، خودش

تئاتر

زودتر استعفا بدهد. درحالی که این استعفا در حد شایعه است، و به‌طور رسمی تایید نشده است، خبری دیگر نیز حول و حوش این مدیر و کارگردان تئاتر منتشر شده است که حکایت از احتمال جایگزینی او به جای حسین طاهری مدیر فعلی مرکز هنرهای نمایشی دارد. ناگفته نماند مسافراستانه در زمان معاونت امور هنری حمید شاه‌آبادی در دولت قبل از ریاست مرکز هنرهای نمایشی استعفا داد. در صورت صحت این خبر تاییدنشده، حضور مسافراستانه در مرکز هنرهای نمایشی می‌تواند باز دیگر آرامش و اعتماد را به خانواده تئاتری برگرداند.

چهره‌ها

سینما اکبر عبدی



فرهیختگان | علی پروین تلفنی جوینای احوالات اکبر عبدی شده است. پروین گفته است: «سینمای ایران باید به هنرمندی مانند عبدی افتخار کند. هم من و هم لادن (دختر علی پروین که به‌تازگی وارد دنیای سینما شده) بازی‌ات را دوست داریم، تو سلطان طنز ایران هستی. فردا عازم شمال هستم و قبل از رفتن دوست دارم ملاقات کنم و هر جا که صلاح بدانی برای دیدنت خواهم آمد.»

سینما کیت وینسلت



فرهیختگان | خیاط زنانه» عنوان فیلم تازه‌ای است که کیت وینسلت در نقش یک خیاط انتقام‌جو در آن بازی می‌کند. فیلم «خیاط زنانه» اقتباسی از یک رمان استرالیایی به همین نام، نوشته «رزالی هم» است که جوسلین مورهاوس فیلمنامه‌اش را نوشته و کارگردانی کرده است. در این فیلم کیت وینسلت نقش شخصیت اصلی داستان به نام تیلی دونیچ را ایفا می‌کند، خیاط زنانه‌ای که به شهر زادگاهش باز می‌گردد تا از اشخاصی که گذشته تلخی برای او ساخته بودند، انتقام بگیرد.

سینما بهرام رادان



فرهیختگان | گرچه داریوش مهرجویی ترجیح داد درباره خلاصه داستان سنتوری ۲ چیزی لو ندهد، اما بهرام رادان در باره قصه این فیلم گفته است: «علی چند سال در آسایشگاه بوده و حالا به اصرار هوادارانش به شهر برمی‌گردد. هاینه سال‌هاست از ایران رفته، زندگی خانواده بلورچی دگرگون شده، ولی علی با عشق طرفداران میلیون‌اش، شروع به ضبط آلبومش می‌کند و همزمان مهیای برگزاری تور کنسرت‌هایش می‌شود که اتفاقات تازه‌ای برایش رقم می‌خورد.» قرار است فیلم سنتوری ۲ به کارگردانی داریوش مهرجویی در فاصله زمانی از زمستان ۹۳ تا بهار ۹۴ ساخته شود.

سینما تیم برتون



فرهیختگان | تیم برتون معمولا با تکیه بر داستان‌های خیالی، دنیایی بسیار تصویری در پس‌زمینه فیلم‌های متمایز خود خلق می‌کند. از این نظر، «چشم‌بان بزرگ» (Big Eyes) تازه‌ترین فیلم بلند داستانی او که همزمان با آغاز کریسمس در روز ۲۵ دسامبر (۴ دی) روی پرده سینماها می‌رود، یک استثناست. برتون این فیلم را از روی یک داستان واقعی ساخته است. هسته فیلم جدید او یک جنگ واقعی بین زوج والتر و مارگریت کین است که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ با نقاشی‌های محبوب خود با موضوع بچه‌هایی با چشمان بزرگ غمگین و فراموش‌نشده، در دنیای هنر و در میان غامه مردم، اسم و رسمی به هم زدند. آنها از این نقاشی‌ها پول زیادی درآوردند، اما بعد با هم به مشکل برخوردند.